

رهائی

ویژه مبارکات نوده‌ای



کتابخانه ایرانی

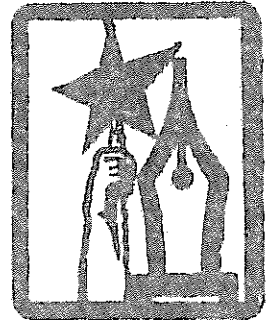
iranische Bibliothek in Hamburg

سال سوم، شماره ۹۲
پنجشنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۰
بهاء ۱۰ ارباب

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

تشکیل صف مستقل چپ

تنه‌راه خروج از بحران



بنی‌صدر و شرکا به اضافه جناحین از ارتقاء و احفالت
پاره‌ای از سران ایلات در شرف تکوین است.
برنامه‌ی این جنبه بر حول محورهای ضد فاشیستی
و ضد دیکتاتوری طرح ریزی شده و همه
گرایشهای سیاسی با این خصوصیت از جمله پرورازی را
در بر میگیرند. حال باید دید چه می‌کند و
اصولا چه باید بکند. تا در گذشته بارها پیرامون
ضرورت مردم تشکیل ائتلاف چپ نه بخاطر مشخصات
بقیه در صفحه ۲

بدنبال خروج بنی‌صدر و رجوی از ایران که
بدلیل مختلف و در محافل گوناگون سیاسی با تعجب
شگفتی خاصی تعبیر و تفسیر شد و همچنین
آدمهای این سر مشاقب با اظهار نظرها و اعلام
مواضع سیاسی رهبران دو جریان مختلف در پارسی
پخشهای جدیدی پیرامون انگیزه و دلایل این سفر
خط شی جریان شورای طاقت ملی؛ برنامه
ترکیب این "شورا" و پیشنهادهای بین‌المللی
آن در سطح همسازانهای و تشکلات سیاسی
پیرامون جریان پیدا کرده است. ما در شماره
های آینده در نوشته دیگری نظرات خود را در ارتباط
با برنامه "شورای طاقت" و چشم اندازهای آن که در
مقابل آن قرار دارد اعلام خواهیم کرد.

در اینجا روی سخن ما نه با بنی‌صدر و مجاهدین
بلکه با چپ است. چپ ائتلافی که تصمیم به ادامه
مبارزه در چهارچوب برنامه رادیکال و چپ‌پروکار
سایر نیروهای چپ و در جنبه چپ دارد. چپ
که به تشکیل صف مستقل خود بعنوان پیش‌شرط
اصلی همکاری و ائتلاف با سایر نیروهای شرقی
اعتقاد راسخ دارد و در این راستا صادقانه
کوشش میکند. تا سوال گذشته خود را که بارها
تکرار کردیم باز هم صراحت تکرار میکنیم:

رفتاری چپ چه میکند و به کجا میرود؟
آنچه که از قرائن پیداست، اگر تا سپهر
ساله عطایت مجاهدین خلق از بنی‌صدر و سردرگمی
نیروهای چپ در چگونگی ائتلاف واضح دور این
ارتباط معدود شده بود هم اکنون ائتلاف طیف
سببی از نیروهای سیاسی از مجاهدین خلق گرفته

در صفحات دیگر

- * اقدام فاشیستی دو رضحی کمونیست
- * نیاز اجباری یا بیگاری در کارخانها
- * تحریر الوسیله
- * وسیله‌های در خدمت نفی کامل حقوق
- * اقلیت‌های مذهبی
- * اخبار

تکثیر از:

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

تشکیل ...

پراگماتیستی و تاکتیکی بلکه بعنوان یک اصل ضروری تاریخی سخن گفته ایم و عواقب ناشی از عدم تحقق جبهه‌ی چهارم متذکر شده ایم . غرسواری و نرفند بان ترقی این و آن شدن نتیجه منطقی پراکنده کاری و شرکت جداگانه در ائتلاف‌های دیگران است . هم اکنون قطب‌های سیاسی مشخص تر شده اند . علاوه بر قطبی که ذکر آن رفت - " شورای مقاومت ملی " - به احتمال زیاد قطب مخالفین سلطنت طلب رژیم اسلامی با شرکت و یا بدون شرکت بختیار - امینی - اویسی و دیگران تشکیل خواهد شد . گویانکه تا کنون نیز این جماعت با انجام پاره‌ای همکاریها ترتیب دادن برنامه‌های رادیکالی و غیره مدت‌ها است که برنامه خود را آغاز کرده اند . جبهه رژیم جمهوری اسلامی و متحدین و موافقینش نیز که روشن است و یارگیریهایی مدتی است که انجام شده است . حال میماند جبهه چپ و همکاریهای فشرده این جبهه . متاسفانه در اینکه در شرایط حاضر هم بدلیل بروز انحرافات جدید سیاسی در خط مشی و برنامه و هم بدلیل ضربات رژیم ضد خلقی حاکم ، بطور کلی جنبش چپ‌پیش از گذشته تضعیف شده و از لحاظ بنیید و توان مبارزاتی تا حدی تحلیل رفته است بحثی نیست . این امر علیرغم خواست مساب ولیکن بعنوان یک واقعیت امروز در مقابل دیدگان ما خود می نمایاند و ما متاسفانه شاهد این صیر نزولی و وضعیت در هم نیروهای چپ هستیم . معذالک و علیرغم این واقعیت ، آن دسته از نیروها شبکه از اوضاع و احوال کنونی و مسیر تحولات آتی آن برداشت واحدی دارند و از لحاظ بنیید و توان سازمانی قادرند که در چارچوب یک ائتلاف چپ مبارزات خود را هدایت کنند ، میبایست که هرچه زودتر دست‌بکار شوند و تا دیر نشده سنگ بنای ائتلاف راستین نیروهای چپ را - هرچند که در ابتدا این نیروها محدود و کوچک باشند - بنیان نهند . هرگونه تعلل در انجام این امر مهم فاجعه خواهد آفرید .

در ارتباط با پلانتفرم و برنامه جبهه چپ ، سخن بسیار است و نیروهای شرکت کننده در چنین جبهه‌ای خود قادر خواهند بود که به تدوین بهتر -

بن و صحیح ترین برنامه ممکنه بپردازند . لیکن اعتقاد ما بر آن است که خطوط کلی چنین پلانتفرمی باید بر اساس محورهای ضد امپریالیستی - ضد سرمایه‌داری ، حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تعیین مرزبندی با بورژوازی و نیروهای لیبرال و دیگران قرار گیرد . این جبهه یک جبهه ، تشریف و تشدید مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم خواهد بود و نه جبهه عقب‌نشینی بنا بر این سمت اصلی حمله میبایست در جهت تجهیز همه نیروها برای پیکار همه جانبه با رژیم و استفاده از همه شیوه‌های مناسب برای انجام این پیکار منورگیز شود . چپ برای ادامه مبارزه خود در چنین شرایط سختی که رژیم فاشیستی اسلامی به ما تحمیل کرده است به چنین ارگان مبارزاتی نیاز مبرم دارد و ما با تمام وجود این ضرورت و نیاز مبرم را حس می کنیم . و معتقدیم ادامه مبارزات نیروهای چپ با بصورت پراکنده و با بصورت ائتلاف‌های مجزا با جبهه‌های غیر چپ ، بهیچوجه قادر نخواهد بود که در راستای مبارزات توده‌ها بطور مثبت تاثیر گذار باشد . در حالت اول نیروها بیچاره‌تر خواهند رفت و در حالت دوم به انحراف خواهند گراشید . فقط با مشکل کردن صفوف خود قادر خواهیم بود که جایگاه واقعی خود را در مبارزات آهسته بدست آورده و بر مسیر حرکت تاریخ و تعیین جهت آن تاثیر بسزا داشته باشیم . ما در اینجا بار دیگر به همه نیروهای چپ و بخصوص به آن دسته از عناصر مادی که گرفتار بی سیاستیها و یا بسبب سیاستهای رهبری سازمان‌های خود شده‌اند هشدار میدهم که زمان حرکت گریه بسیار دیر لیکن هر چه زودتر ، باید آغاز گردد . تا گامهای جدیدی در تشکیل ائتلاف اصولی همه نیروهای چپ برداشته شود . ما در این راه حاضریم با تمام نیرو و ادای سهم کنیم . لیکن مسئولیت عدم تشکیل جبهه چپ بویژه بعهده کسانی خواهند بود که در لفظ و بیان از تشکیل صف مستقل چپ سخن می گویند ولی در عمل در جهت تحقق آن هیچ گامی بر نمیدارند . پس رفقا دست‌بکار شویم . تعلل‌ها و تردیدها را به کنار گذاشته و به تشکیل قطب چپ ، قطب انقلابی در جامعه همت گماریم و جنبش چپ را یک گام به سوی شکل و یکپارچه‌گی به پیش ببریم . رمز موفقیت ما در همین است .

اعدام فاشیستی دو رفیق کمونیست



در سه‌رگانه روز جمعه ۹ مرداد ، جنایتکاران جمهوری اسلامی بدستور موسوی نیروی جلا ده دو تن از بهترین رفقای سازمان در تبریز را به جوخه اعدام سپردند . رفقا منوچهر دست‌نوع (مرتضی) و ابوالفضل صالحی مرزبجراتی (علی) که در تاریخ ۳ تیرماه پیش در حین بخش اعلامیه و نشریه سازمان دستگیر شده بودند به "انجام" قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی تبریز را ان شدند تا کشتار ان خون آشام ارتجاع به حکومت سنگینشان ادامه دهند . رفیق منوچهر دانشجوی سال آخر فلسفه دانشگاه

تبریز و رفیق ابوالفضل نیز دانشجوی سال سوم همان دانشگاه بود . ما شرح زندگی و فعالیت مبارزاتی رفقا زادشماره‌های آینده منجس خواهد ساخت . باشد که خون پاکشان پرچم سرخ سوسیالیسم و آزادی را بر افراشته تر سازد .
یادشان گرامی باد

رفقا و هموطنان مبارز!

از آنجا که بعلت شرایط ترور و خفقان شدید بخش گسترده‌ی "رهایی" میسر نیست ، برای تشدید هر چه بیشتر افشاگری علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشریه را پس از مطالعه در اختیار دیگران بگذارید .

نماز اجباری یا بیگاری در کارخانه‌ها

منفی بگذارد و لژم میباشد تا با تنظیم برنامه از ایجاد هرگونه اختلال در امر تولید جلوگیری شود، لذا بیانچه زمانی معین به این منظور اختتام بر داده شده نمیتوان بهرچوجه در صورتیکه بهر دلیل یا عذری شوکت در نماز جماعت مذکور نبود دست از کار کشد و اعلام میدارد اشتغال بکار در زمان برگزاری نماز جماعت طبق بسرای کارگران ایجاد نخواهد کرد.

(روزنامه ملی جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۲ تأکید از ماست)

بزیان ساده‌تر یعنی اینکه ساعات کار باید افزایش یابد تا زمانیکه برای نماز اجباری صرفه میشود هم میزان تولید لحظه نژند و یا اثر منفی نگذارد. از طرف دیگر اگر کسی "بهر دلیل یا عذری" در نماز نمیتواند شرکت کند (حال عدم الطیبت مذکور باشد چه معتقد به نماز اجباری نباشد و چه اعتقاد به عدم نماز باشد) حق دست کشیدن از کار را ندارد و باید عدم شوکت خود را با استنثار خودگوه "عسی برای کارگران ایجاد" میکنند، کفاره دهد. یعنی بهایرت دیگر کار کند ولی مزد نگیرد. این ترازه گذشته از هدف دژخیمان رژیم برای شنا مایی و جاسوسی در مورد نماز است که نماز نپذیرا شد. اینست آن لفظی این دیوانگان لجام گنجه که با آن میخواهند جهان را هم ملبان کنند: یا در نماز اجباری شرکت کنید و یا مجازا بقطع جیب برماییداران کار کنید.

اگر تا دیروز معنی شمار "جهان را براساس با منطق سلیمان میکنیم" برای فدهای از مردم نماند شناخته بود، امروز معنی و مفهوم واقعیش بخوبی بیان شده است. واقعیات زندگی کمتر جای ابهامی برای شمارهای عوامفریبانه و بی محتوی باقی میگذاردند. منطق بزم رژیم جمهوری اسلامی یعنی بیباوران شبانه روزی گردستان، یعنی آوارگی میلیون ها جنگ زده، یعنی قوچ نوح انقلابیون را به جوشنهای زمینگشان، یعنی قوچ نوح انقلابیون را به جوشنهای اعدام سپردن، یعنی زندان، یعنی ترور، یعنی شکنجه، یعنی...

رژیم جمهوری اسلامی، طبرغم بلاغت تاریخیست خوب میداند که آن نیروی اجتماعی اساسی ای که کار او با بکسره میکنند و به ادا مادی حیات پر نکبت و زهر آگینش خاتمه میبخشد طبقه ی کارگری است که به آگاهی دست یافته است. متحجران محدود الطکر و گیاده کشان بر مایه های آنی و عشت رشده جنبشی طبقه ی کارگر - این آتشفشان هم اکنون خاموش - آرام و فراموش دارند و دانشمندان با انواع و اقسام حیل در مدها پیدا موانعی هستند تا آگاهی - این آفتابی علاج بر مایه داران - پنهان آنها نرود. اما گوشت که نداند رژیم به طناب دارش سر میگذرد. اطلاعاتی وزارت کار و امور اجتماعی درباری برگزاری نماز جماعت در کارگاه ها بخوبی گویایی در ذالت های نقاب دار و بی نقاب رژیم است. در این اطلاعیه آمده است:

"انجام این فریضه نباید در امر تولیدات

اعدام سعادت...

اقتضای طبیعتان همنوای "امام امت" و عزرب الله" از آب درآمدند. اما اگر چنین تفلاهای ساده ترین شکرد رژیمهای مروج دوران باشد، خنده دارترین تراژدی تاریخ نیز حلقه بگوشی و بی طبیعتی مفتضانه ی خود فروختگانی چون حزب توده و اکثریتی هاست که با جاسوسی برای بقای اسلام و انقلابیون عزیز و لو دادن انقلابیون در خدمتگزاران بد رژیمی که قرار است سزاب را در شرف سیر مایه داری را واقعت جلوه گر کند، در عین خفسوع گوی سبقت از یکدیگر رسیده اند. در این حال، اعدام سعادت و دیگر مایه رژیم و انقلابیون تنها گویای درعانه کی سردمداران جمهوری اسلامی در عقانیت بخشیدن به رژیم قرون وسطا شیطان نیست. بلکه افشاگر و رسوا کننده ی خائضین و خود فروختگان از جمله شیفتگان و راهیان "را در شرف سیر مایه داری" نیز هست.

اعدام محمدرضا سعادت از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در حالی که قبلا به اتهام "جاسوسی" توسط "دادگاه فدا انقلاب" به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، بار دیگر در حده استیصال و سبقت حکام "مکتبی" و "اسلام پناه" را عرضه کرد. تشکیل یک دادگاه فرمایشی برای تبدیل ۱۰ سال حبس به اعدام، برای رژیمی که در عرض چند ساعت حداقل سی نفر را "سها گمه" و به جوشندی اعدام میسازد و با هزاران سباز و انقلابی را ماهها بلا تکلیف و بدون هیچ مجوزی در زندان نگاه میدارد هم آنقدر آسان است که از جنبش رژیم جز این انتظار ندانن. درک اینست ساله برای انقلابیون صدیق و نوده های از توهم رینه همانقدر سهل است که ماستمالی کسب کردن سعادت جاسوسان خود فروخته ای نظیر حمید حواری (ما حور سیا به اعتراف خود) و غیره که بسسه

“تحریر الوسیله”

وسيله‌ای در خدمت نفی کامل حقوق اقلیت‌های مذهبی

دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند.

ب- در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی بر حسب ضوابط قانونی محفوظ است.

(کتاب "مباحثه با امام"، ترجمه و تالیف ابرج جمشیدی، انتشارات پیشگام، تهران، صفحه ۱۵)

و در پاسخ به پرسشهای مکرر در مورد حقوق اقلیت‌های مذهبی چنین گفت:

"تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب آئین و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف میداند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند."
(آبان ۱۳۵۷ - همان کتاب صفحه ۲۹)

"... اسلام نسبت به این اقلیتها احترام قابل است... باید غرض مشوجه باشد که اسلام نسبت به اقلیت‌های مذهبی بسیار با احترام رفتار میکند. من بارها گفته‌ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام میدهند و ما موظفیم از آنان نگهداری کنیم."
(۱۹ آبان ۱۳۵۷ - همان کتاب صفحات ۴۴-۴۲)

تجربهای تلخ دو سال و نیم حکومت اسلامی اکثریت قاطع مردم ایران مریضتر از جنس، نژاد، طیف، اعتقاد به هرگونه دین، و بی اعتقادی به دین نشان داده است که:

الف) بر خلاف وعده‌های خمینی، در حکومت اسلامی نه تنها مارکسیست‌ها هیچگونه آزادی اندیشه و آزادی بیان اندیشه را ندارند، بلکه حتی معتقدین به اسلام نیز اگر به اسلام خمینی معتقد نباشند تحت محدودیتهای گوناگون (از بستن روزنامه‌ها تا اعدام) قرار میگیرند.

ب) "ضوابط قانونی" که خمینی از آن دم میزند فقط یک چیز است: تسلیم مطلق در برابر رژیم او. و "خرابکاری" هم در قاموس او مانند رژیم شاه، یعنی ابراز کوچکترین مخالفت با رژیم.

چنانکه گفتیم اینها همه در تجربیه‌ها اثبات شده است. اگر چه برای برخی از مبارزان آگاه پیش از این تجربه هم دروغ بودن ادعاهای خمینی آشکار بود. اما در همین حال بوده‌اند و هستند کسانی (خودفروشان) چون توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها که جنایات رژیم را به "مباحثه"

در بخشهای گذشته بررسی کتاب "تحریر الوسیله" دیدیم که لایحه "قصاص" خلاصه‌ای است از سه فصل "حدود، قصاص و دیات" این کتاب. اگر چه این کتاب چند قرن پیش نوشته شده است، اما چون خمینی آنرا تائید کرده و مواردی هم به آن افزوده است در حال حاضر سه دروغ نوشته‌ای او قلمداد میشود.

با بررسی ننها چندماده از قوانین مربوط به ازدواج و مجازات‌های موجود در این کتاب نشان دادیم که تفکر مسلط بر آن، که همان ایدئولوژی رژیم خمینی است:

الف) بیشتر مانع بدیهی ترین حقوق زن را نفی میکند و او را به حد کمتر از یک حیوان تنزل میدهد. نمونه: مسالهی ۱۲ صفحه‌ای ۲۴۱ جلد دوم "تحریر الوسیله" در مورد اجازه‌ی ازدواج با دختران خردسال حتی کمتر از نه سال.

ب) بوضوح طبقاتی و مدافع منافسین شروتمندان است. قوانین مجازات موجود در این کتاب به شروتمندان اسکان میدهد در مقابل برداشت پول به هر جنابینی دست بزنند. از این رو این قوانین خود بزرگترین مضوق قتل و جنایتند. حتی یک نگاه به مقررات "قصاص" که در "لایحه قصاص" نیز آمده‌اند این نکته را به آسانی ثابت میکند.

پ) این تفکر علاوه بر آنکه کوچکترین بین درکی از ساده‌ترین مسایل اجتماعی ندارد، خشن ترین و وحشیانه‌ترین روشها را برای مقابله با آنها تجویز میکند: شکنجه و قطع انگشتان کودکان برای بازداشتن آنان از دزدی (مسالهی یک صفحه‌ای ۲۸۲). "قطع سر، پرتاب از بالای کوه با دست و پای بسته، کشتن در زیر آوار، سوزاندن در آتش یا ترکیبی از آنها" در مورد کسی که لواط کرده باشد. (مسالسه‌ی ۶، صفحه‌ی ۹۴۷)



خمینی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷، ماهها قبل از آنکه قدرت را بدست بگیرد با حتی طمعش باشد که قدرت را بدست خواهد گرفت، برای فریب توده‌ها در پاسخ به سؤال "سازمان عفو بین المللی" در مورد "آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده، و آزادی انتخاب شغل" برای مارکسیست‌ها چنین گفت:

الف- در حکومت اسلامی همه‌ی افسراد

غیر مسئول که در داخل رژیم رخنه کرده اند نسبت میدهند، و با آنها طوفانی از "برخورد درگانه‌ی خرده‌بورژوازی" میدانند. و بوده‌اند و هستند کسانی که این جنایات را "انحرافی از اسلام" قلمداد میکنند.

اما از آنجا که مقررات کتاب "تحریر الوصیه" مبتنی است بر قوانین اسلامی که از قرآن، سنت پیغمبر، یا نظرات مراجع شیعه استخراج شده‌اند، توجه به مواد مریح زیر تا از کتاب نشان خواهد داد که هدف آگاهانه پس از ناآگاهانه‌ی تمام اظهارات توجیه‌گرانه‌ی فسوق چیزی نیست جز فریب‌توده‌ها.

ساله‌ی ۱۵ در صفحه ۲۶۶ جلد دوم کتاب "تاریخ زیر را درباره‌ی "مرتد" ارائه میدهد:

"مرتد فطری کسی است که یکی از والدینش در عین انقضاء نطفه مسلمان باشد، پس از رسیدن به بلوغ اظهار کفر کند، پس از آن مسلمان شود، پس از آن دوباره کافر شود، مثل مسیحی الاصلی که مسلمان شده و پس از آن دوباره، مثلاً، مسیحی شود."

مرتد ملی کسی است که والدینش در حال انقضاء نطفه کافر باشند، پس از رسیدن به بلوغ اظهار کفر کند، پس از آن مسلمان شود، پس از آن دوباره کافر شود، مثل مسیحی الاصلی که مسلمان شده و پس از آن دوباره، مثلاً، مسیحی شود."

و سایر زیر "مجازات" چنین فردی را تعیین میکنند:

"ساله‌ی یک (صفحه ۲۹۴): اظهار اسلام از سوی مرتد فطری قبول نمیشود، و اگر مرد باشد کشته میشود، اگر زن باشد، کشته نمیشود، بلکه حبس ابد میشود در مواقع نماز گتنگ زده میشود و معیشت ((خورد و خوراک و شرایط زندگی)) بر او سخت گرفته میشود، و اگر توبه کند از حبس خارج میشود. از مرتد ملی خواسته میشود که توبه کند، اگر امتناع کند کشته میشود، و جانب احتساب آن است که سه روز از او درخواست توبه شود و در روز چهارم کشته شود."

توجه داشته باشیم که مجازاتهای فوق هیچ ارتباطی به "خوابکار" بودن یا نبودن فرد ندارد و صرفاً بر مبنای تقبده‌ی او اجرا میشوند. مطابق این قوانین یک فرد کمونیست یا باندزیر شکنجه و حبس ابد تغییر عقیده میدهد، و یا باید کشته شود. بخلاوه، ساله‌ی ۸ صفحه ۲۹۵ میگوید:

"اگر مرتد ملی توبه کند، و پس از آن کسی که فکر میکند او هنوز مرتد است او را بکشد، کشته شده است که با بد قضا می‌شود، و قویترین است که ((قصاصی)) نشود، و لازم است که از مالش دیه ((پول خون)) سرودازد."

با این ترتیب "مومنان" میتوانند هرکس را که

"فکر میکنند" مرتد است بکشند بدون آنکه ترسی از مجازات اعدام داشته باشند. این قوانین که تنها اجازه قتل کمونیستها را صادر میکنند، بلکه خون معتقدان به ادیان چون بنیادینت و دین بودا و غیره را نیز "حلال" اعلام میکنند.



توجیه‌گران اسلام و رژیم خمینی با این گفتارند که اگر چه اسلام بر "کفار حربی" سخت میگیرد، اما با "اهل کتاب" (یعنی مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) بسیار مدارا میکند و در مقابل گرفتن باج از آنان، حقوق آنان را محترم میشارد و از آنان دفاع میکند. مقررات موجود در بخشهای مربوط به "اهل ذمه" یعنی کسانی که با پرداخت باج از اعدام نجات پیدا میکنند، معنی واقعی "احترام به حقوق" و "دفاع" از اقلیتهای مذهبی را به خوبی نشان میدهند:

"ساله‌ی ۲": صفحه ۲۹۷، میگوید هر کسی که پس از ظهور اسلام مسیحی، یهودی یا زرتشتی شود "کافر حربی" است "یعنی قتلش واجب است." "ساله‌ی یک"، صفحه ۲۹۹، مقرر می‌دارد که "جزیه" یعنی همان مالیات با باجی که "اهل کتاب" باید بدهند "مقدار خاصی ندارد و حدی هم دارد ((تا کیدها همه جا از ماست))، بلکه تعیین مقدار آن به نظر والی و تشخیص او از مصالح بکان، زمان و مقتضیات روز بستگی دارد."

"طبق" ساله‌ی ۶، صفحه ۵۰۰، "والی" یعنی حاکم مسلمانان مجاز است علاوه بر گرفتن باج، "اهل کتاب" را مجبور کند که به مسلمانانی که از مناطق آنان میگذرند "مهراتی" بدهند.

بنا بر بخش ششم از "ساله‌ی اول" صفحه ۵۱، "اهل کتاب" در صورتی با پرداخت جزیه از قتل نجات پیدا میکنند که تعهد کنند که در "سرزمین مسلمانان":

"کنیسه‌ها سازند، ناقوس نزنند، با ختمان بسازند، سازند، و اگر خلاف آن کنند تعزیر میشوند."

مطابق "ساله‌ی ۱۰"، صفحه ۵۰۲، "مکروه" است که فرد مسلمان به "کافر ذمی" سلام کند و جواب سلام او را هم باید "هرچه کوتاهتر" بدهد. همین "ساله" میگوید "مستحب" است مسلمانان "کفار غیر ذمی" را "مجبور کنند از تنگ‌ترین کوچه‌ها عبور و سرور کنند." "طبق" ساله‌ی یک "صفحه ۵۰۴،

"اهل کتاب... مجاز نیستند در شهرهای اسلام معابدی مانند کنیسه ((معبد یهودیان)) یا ((بان))، کلیسا یا آشکده بنا کنند و اگر بنا کنند والی مسلمان باید آنها را خراب کند."

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

و بنا بر "مسأله ۲" در همان صفحه، معابد "اهل کتاب" در تمام "شهرهایی که مسلمانان آباد کرده باشند مثل بصره، کوفه، بغداد و تهران"، و با "شهرهایی که مسلمانان به مرور فتح کرده باشند" باید بوسیله والی مسلمانان خراب شوند "حتی اگر والی جاشر ((ستمگر)) باشد".

بناظر داریم که مدت کوتاهی پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد فلسفی واعظ، نوکر رژیم شاه و رژیم خمینی، به همراه سرلشکرهاهدی، نخست وزیر رژیم کودتا، معبد بهائیان در تهران را "فتح نظامی" و "تخریب" کرد تا "مواتیب اسلامیت شاهنشاه عظیم الشان" را ثابت کند.

"مسأله ۲"، صفحه ۵۵، از این هم فراتر می رود و میگوید:

"هر ساختمانی که ((کافر)) ذمی بدست آورد یا بسازد نباید از ساختمان همسایه مسلمانش بلندتر باشد".

گرچه همین ماده با قدری "تامل" و "دودلوسی" میگوید "شاید کافرذمی مجاز باشد ساختمانی هم ارتفاع ساختمان همسایه مسلمانش بسازد!!"

"متفکر آزاداندیش" پس از ذکر چندین مقررات دیگر در مورد بلندی و کوتاهی دیوار خانه "کافر ذمی" بیچاره: برای آنکه چنین کسی فکر نکند یا جلس رضایت همسایه اش میتواند مثلا، یک اتاق بر روی پشت بام خانه اش بسازد.

در مسأله ۱، صفحه ۵۵، میگوید:

"ظاهرا مجاز نبودن بلندی ((ساختمان)) از احکام اسلام است و ربطی به رضایت یا عدم رضایت همسایه ندارد...

و سپس برای آنکه مبدا "اهل کتاب" تحت "حمایت حکومت اسلام" بفکر استفاده از این همه "آزادی" بیافتند، "فروع" زیر را هم در صفحات ۵۵۶ و ۵۵۷ به قرائن فوق اضافه میکند:

"اول... اگر ((فرد ذمی)) از دین خود به دینی که اهل آن بر مذهب خود باقی میمانند ایمان بیاورد، یهودی ای که مسیحی شود یا بر عکس، آیا از او پند بررفته میشود؟ بعید نیست که پذیرفته شود، و گفته شده است که جز اسلام یا قتل چیزی از او پذیرفته نخواهد شد."

"نوم اگر ذمی ای وصیت کند که کنیسه یا کلیسا یا آتشکده ای ساخته شود بمنوی معبدی برای آنها یا جایی بسازی عبادات باطلان، و آن کار بما واگذار شود، ما اجازه نداریم آن را انجام دهیم. همچنین اگر وصیت کند که چیزی در راه نوشتن تورات، انجیل، یا دیگر کتابهای گمراه کننده و تحریف شده و چاپ و پخش آنها صرف شود، و همچنین اگر چیزی مشابه آنچه گفته شد در دسترس کند، حتی اگر آن کار به ما واگذار شود، اگر ساختمان باشد ساختن بنا

تعمیر آن مجاز نیست و باید از آن جلوگیری شود؛ در غیر این صورت ما اعتراضی نداریم مگر آنکه بخواهند از آن طریق مذاهب باطل خود را میان مسلمانان تبلیغ کنند و فرزندان را گمراه کنند، که در آن صورت واجب است که از آن منع شوند، و بهیچ وجه وسیله مناسبی دفع شوند."

"چهارم - کافران، چه ذمی و چه غیر آن، اجازه ندارند مذاهب شاذ خود را در سطح زمین مسلمانان تبلیغ کنند، یا کتابهای گمراه کننده خود را نشر دهند و فرزندان آنها ((مسلمانان)) را به مذاهب باطل خود دعوت کنند و واجب است که ((در این صورت)) تعزیر شوند، و بر والیان دول اسلامی واجب است که به وسیله مناسبی از آن کار بازمان دارند، و واجب است که مسلمانان از کتابها و مجالس آنان دوری جویند و فرزندان خود را نیز از آن منع کنند، و اگر چیزی از کتابها و اوراق گمراه کننده شان به دستشان برسد باید آنها را از بین ببرند و کتابهای آنها چیزی نیست مگر ((کتابهای)) تحریف شده و غیر محترم. خدای بزرگ مسلمانان را از شر اجانب و هیله هایشان محفوظ نگاهدارد، و گلهای اسلام را بالاترین کله قرار دهد."

چنین است معنای واقعی "احترام بسیار" و "آزادی اقلیتهای مذهبی تحت حاکمیت اسلام عزیز" و چنین است معنای واقعی شعار فاشیستهای حزب الله که روی دیوارها مینوشتنند و مینویسند:

"جهان را با منطق مسلمان میکنیم!"

منطق باج گیری، کتاب سوزی، تخریب اماکن مذهبی، زندان، شکنجه و اعدام، نه برای جلوگیری از "خوابکاری"، بلکه برای جلوگیری از عقاید متفاوت آسم توسط کسانی که ادعا دارند "عالیترین" و "محکمترین" نوع عقیده را دارند و "گسترده ترین" آزادیهای اجتماعی را برقرار کرده اند.



... اخبار ...

بدرستور نخست وزیر کیف دستی و سایر کارمندان ادارات و موسسات دولتی تفتیش میشود. این دستور در کارخانه ها به صورتی ختن ترو تو همین آمیز توانجام میگردد. دو یکی از کارخانه ها همسوی قیصانه ی تفتیش بدنی به قدری موجب خشم و نفرت زنان کارگر میشود که آنها اعلام میکنند، حاضرند گاملا برهنه شوند و لباسهای خود را در اختیار تفتیش کنندگان قرار دهند، ولی اجازه نخواهند داد که چنین بیشرمانه آنان را تفتیش بدنی کنند.

هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم

آزادی و رافت در جمهوری اسلامی

"قهر خداوند" یا "آزمایش امت"

بار دیگر زلزله بر محرومترین مردم ستم‌پسندی میهن ما تازیدن گرفت. خانه‌ها پشان را بر سرشان ویران کرده. هشتپشان را در زیر آوار مدفون ساخت. عده‌ای را بی جان و عده‌ای را بر تلی از خاکستر در سوگ عزیزان باقی گذارد.

در حالیکه سرمایه‌های زحمتکشان میهن ما از سویی در جنگ ارتجاعی ایران و عراق نابود میشوند و از سویی دیگر توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و اعوان و انصارشان در آزادی "اجر آخرت" به جیب زده میشود (رجوع کنید به اسناد دزدیهای بنیاد مستضعفین در شماره‌های گذشته‌ی رهایی و غیره) و یا به حساب غشوش خدمتی به جیب اربابان و کمپانیهای امپریالیستی ریخته میشود (قرارداد با شرکت تالپوت و غیره)، محرومین خلقهای ایران، رنج‌دیده‌ی ستمکش در سفقوله‌هایی (دزبته‌ترین حالت) از خفت و گل در معرض عوامل طبیعی از جمله زلزله و سیل شاهد از دست دادن جان و مال و هستی ناچیزشان میباشدند.

و مضحک آنکه یاوه‌سرایان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچون با زدای فریب و خیرنگ این قجایع را "قهر خداوند" یا "آزمایش امت" مینامند. برآستی اگر نتگین تر از مرتجع، فاشیست و مزدور سرمایه مفسدی وجود داشته باشد با زهم ژیب‌پسندی همین رهبران خودگمارده است. مردمی که قرن‌ها تحت استبداد "ستم‌شاهی" و اخیراً "ستم فقیهی" در غیر انسانی ترین شرایط تحت بهره‌کشی نظام‌های طبقاتی به وحشیانه ترین وجهی شکنجه و تحقیر شده‌اند به کدام جرم مستوجب "قهر خداوند" شما و با کدام معیار مورد "آزمایش" قرار میگيرند؟

آیا این "خداوند سرمایه" نیست که از زبان "خداوندان فریب و خیرنگ" این چنین ریاکارانه ساقط شدن هستی محرومان و رنجبران را به گردن خود آنان می‌اندازد تا امکان ادامه‌ی "قهر" سرمایه را "آزمایش"ی دیگر کند؟

چرا، هست. اما جاودان نیست و مهمترین از آن دیرپای نیست، طومار دریده‌ی ایستایی فریبکاری و فریبکاران روزی که طوفان "قهر" زحمتکشان سر بگیرد "آزمایش" مرگ را مغلوب خواهد شد. روزی که زنجیربان اردوی کار برای سحر هرگونه ستم طبقاتی جدال قطعی را به تلاش برگیرند. روزی که طبقه‌ی مرگ خداوندان سرمایه از بازوی رنج و گورده‌ی ستم درخشیدن آغاز گیرد. روزی که... دیر نیست.

پیش از دو سال و نیم از حکومت "عدالت‌گامی" می‌گذرد. در این مدتی که روح خدا در روی زمین مکفریاشی می‌کند، "آزادی" از نوع اسلامی اش هر روز ابعاد هولناک تری بخود می‌گیرد. اگر روزی چنان قدران به صفوف نظامی نیروهای انقلابی حمله می‌کنند، روز بعد با لشکر گشی مزدوران - سرمایه به ترکمن صحرا و کردستان، قتل تمام خلقهای تحت ستم تحت نام اسلام توجیه می‌شود و چند روز بعد از آن مبارزات کارگران انقلابی که ظاهراً "هر مویشیان به تمام کاخ نشینان می‌آزد" با خشونت بی‌سابقه‌ای سرکوب می‌شود و امروزمذای رگبار گلوله‌های دژخیمان رژیم در میدانهای عدام لحظه‌ای قطع نمی‌شود.

آری! زحمتکشان ایران آزادند، مثلاً آزادند تا از میان چهار جلادی که حزب حاکم برای ریاست جمهوری کاندید می‌کند یکی را برگزینند. و باز آزادند تا از بین چهار روزنامه‌ی ارگان ارتجاع یکی را بخوانند. و بالاخره آزادند تا بین نوکری ولایت فقیه و سینه‌زدن در پشت سر حکام مرتجع و زندان و شکنجه و قرار گرفتن در برابر جوشه‌ی اعدام یکی را انتخاب کنند. اما سردمداران رژیم بسیار بیشتر از توده‌های مردم از آزادی نسوع اسلامی نصیب برده‌اند: آزادی کشتار انقلابیون و کمونیستها بدون محاکمه، آزادی در اعدام زنان آهمن و نوجوانان ۱۲ - ۱۳ ساله، آزادی ریختن به حاسه‌های مردم و دستگیری و زندانی کردن آنها به بهانه‌های واهی - آزادی قتل - جنایت - خیانت و دزدی. دادستانی انقلاب حتی به این هم قانع نبوده و برای کامل کردن سپاه‌ی جنایات حکومت در روزهای نخستین اول مرداد در اطلاعیه‌ای اعلام میکند:

"هرکس در روز انتخابات اغتشاش کند، هستی مشا جوه لفظی، مجرم، مفسد فی الارض و یا غی

شناخته شده و محکوم به اعدام است. اما به خطا رفته‌ایم اگر به پنداریم در این دو سال اندی، وظیفه‌ی رژیم حاکم همه کشتار و سرکوب بوده و رافت از نوع اسلامی را فرا موش کنیم. تقاضای منطقی در اینجا است که این رافت شامل هرکسی نمی‌شده است، و فقط آن کسانی از آن نصیب بهره‌اند که در مقابل حکومت سرمایه سر تعظیم فرود نیاورده‌اند. جهت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه انقلاب ارتش در محاسنی مطبوعاتی خود به این نکته اشاره کرده و میگوید:

"در ظرف مدتی که مسئولیت دادگاه انقلاب اسلامی ارتش برده‌ی ما بود عملاً نشان دادیم عده‌ای ولو اینکه جراثمشان در حد اعدام بود با امتحاناتی که از آنها بعمل آمد احساس شد که اگر از بازداشت بیرون بیایند برای جامعه ((سرمایه‌داری)) مفید خواهند شد آزاد شدند. هرکس را که خادم ارتش باشد، آتوا می‌پذیریم."

(کنیهان - ۳۱ شهریور ۱۳۶۰)
آری مهر و عطوفت جمهوری اسلامی فقط شامل حال ما و گنیها و چشما رهای شاهنشاهی است که وجودشان برای حفظ نظام سرمایه‌داری و تثبیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مفید باشد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ناتوان از حل مشکلات اقتصادی و سیاسی - در آخرین دقائق عمری خود بر هر خس و خاشاکی برای نجات جنگ میاندار ولی هر دم بیشتر در منجلاب تنهایی فرو میرود. اما رژیم باید بداند که اعدام انقلابیون و کمونیستها بی جواب نمی‌ماند و باید بداند که علمبرغم این کشتارها، آنها لحظه‌ای دست از مبارز و افشا رژیم بر نخواهند داشت.

۲) بیگان قهره‌ای به شماره ۲۲۷۵۲ تهران

۵) بیگان قهره‌ای بشماره ۱۳۵۷۷ زنجان -

۶) دانشور آبی بشماره ۸۱۲۸۹ مشهد
۷) وادت مزدا ۱۶۰۰ تارنجی بشماره ی

۸) تاکسی شماره ۲۶۵۵۵ مشهد
۹) تاکسی شماره ۲۲۲۷۸ مشهد

۱۵) بیگان قهرزنگ مدل ۵۷ بشماره ی
۲۹۱۲۵ مشهد از اتومبیلهای مورد استفاده ی
چاقوگشان حزب المللی

۱۱) بیچاره بزرگ بدنه فلزی به شماره ی
۱۱۵۸۷ مشهد متعلق به سباهاداران مشهد

از طرف آموزش و پرورش مشهد، غرضی نیست
دبیرستانها فرستاده شده که باید توسط دبیران
"مؤخرین" (که عموماً از دانشجویان فالانتر
و حزب المللی ها هستند که نقش جاموسی را بر
عهده دارند) انگیزا نیز زنی نبوده و مستقیم
التدریس میکنند) بر شود. بر این فرضها نظیر
این جاموسان را چه به ننگاری یا عدم ننگاری
مشغولین امر، دبیران، متعلمیان دفاتر و غیره
با "مؤخرین" دبیرستان سوال شده است.
همچنین در تاریخ ۱۷ شهریور آموزش و پرورش
مشهد به دبیرستانها دستور با کمال افراد غیر
مکتبی را صادر کرده است.

رژیم به شهریور آموزش و پرورش از هیات
ابتدا که رئیس، نماینده ولایت قمیست،
وزیر آن بود پس در ایجاد هیئت سروروار عذاب
و برقراری یک جریان جاموسی داشته است.
دبیران آموزش و پرورش نیز عموماً بمنظور تعقیب
مقابله و جاموسی از دبیرستانها از میان عناصر
مطمین و جاموسی مسلک دست چپ شدند. اینها
همه جوانان از تظاهرات رژیم برای براندازی
یک دستگاه گرفتند و در این میان واگداست،
ولی این جریان به سرانجام خود یعنی مساراک
دچار خواهد شد.

در گوی آب و برفی مشهد، با مداران به خانه ها
بی که هنگام سحر جوانها ایشان خاموش بود، حمله
کرده اند.

همچنین در تاریخ ۱۸ تیر نامه ای بسمت
ادارات مشهد ارسال شده است که در آن بسمت
با کتبی چهارم دستگاه اظهار شده است که در
صورت عدم رعایت عذاب و یا خاموش بودن چراغ
به هنگام سحر از واحدهای مسکونی اخراج خواب
هند شده. لازم به یادآوری است که چهارم دستگاه
منطقه های سازمانی است که توسط ادارات
به کارمندان اجاره داده شده است.

این هم نمونه ای دیگر از شعار "جهان را
با منطق براسر تسلیمان میکنیم" که دو سال ونیم
است دیوارها را پر کرده است. البته اگر
"منطق" کارگر نیاتد چاقی آماده است که وظیفه ی
آنها بیهوده بگیرد.

اینگونه اعمال رژیم و اعمال دیگری از
تبدیل شمار اجباری در کارخانه ها و مسایلی که
ما در مقالات مربوطه به تحریراتوسیله دربارهی
تفکر ارتجاعی و قرون وسطایی سردمداران
جمهوری اسلامی آشنا گردیدیم. بغرض گویسای
ادعای دروغین رژیم جمهوری اسلامی دال بر آزادی

مذهب و آزادی "اهل کتاب" و اجباری نیستند
دین است.

سردمداران جمهوری اسلامی درست یا نادرست
یا بر مظهرین و خشک مغزان مذهبی ناخشنود و
عاجز از قبول شدن تفکرات کشید و ارتجاعی خود
به مردم، اکنون چماق قتل و کشتاراختناق خود
را بلند کرده و شمار خود را به "جهان براسر
با چماق تسلیمان میکنیم" تغییر داده اند.

لیکن این دیوانگان چند قرون دیرتر از
دوران خود بدینها آمده اند. در دوران پیشرفت
ولیم، تفکر آزاد و انقلاب، چماق کساری از
پیش کشیده.

شیخ علی تهرانی اکنون بیش از ده هفته است
که به تنهایی در اعدام غذا بسر میبرد.

به نقل از خبرنامه (شماره ۲) اتحاد ملی زنان ۱۳۶۰/۴/۲۴

بیشتر اعدام شدگان که به پزشکی قانونی
منتقل میشوند، از ناحیه ی شکم مورد اعدام
کنوله قرار گرفته اند. این امر نشان میدهد که
در ضمن رژیم جمهوری اسلامی از شلیک تبر خلاص
به آنان در بیخ دارند.

ششهی پهن یکی از پزشکان قانونی از کار
استعفا میدهد و عده ای دیگر از کارکنان پزشکی
قانونی تهدید به استعفا میشوند. طبیعتاً
اعتراض و استنفا کارکنان، عموماً از اعدام
بی در پی نوجوانان، واقعه ای بوده که اخیراً
بر این سازمان رخ میدهد. یکی از اعدام شدگان
جوان شایع که همواره سایر اجساد به پزشکی
قانونی منتقل شده بود هنوز نیمه جان بسوده و
کارکنان از آنها در تعویل دهنده میخواهند که
وی تحت درمان قرار گیرد، پاسدار در جواب کلفت
خود را در میاورد و همانجا تبر خلاص را به مجروح
شلیک میکند.

چند تن از مرده شویهای بیعت زهرا پس از
دیدن اجساد اعدام شدگان اخیر دچار بیمساری
روانی شده اند. یکی از آنها گفته است:

"چطور میتوانم بدن سوراخ سوراخ شسته ی
دختران نوجوانی را که هنوز سلامت بلوغ
در سینه و بدنشان نیست بشویم؟"

دختر سیزده ساله ای که اخیراً اعدام اوخصم
تفرات مردم را در سرا بر ایران و جهان برانگیخت،
دانش آموز مدرسه ی راهنمایی ونک بوده است.
این دختر که فرزند خانواده ای فقیر و زحمتکش
است، بخارج خود را از راه کار کردن در خانه
های مردم تأمین نموده است.

شایع است که جسد یکی از "مجهول اليهود" ها که
در مرکز حزب جمهوری قتل رسیدند متعلق بسمت
فردوست (دوست سابق شاه و مشاور سباهاداران)
میباشد. شایعات دربارهی افراد مجهول اليهود
از جمله فردوست دوست شاه و برادرش و یکی مشهور،
از آنها سرچشمه میگردد که هنوز با می افراد مجهول
اليهود اعلام نشده است. با توجه به اینکه در جنبین
جسدی مهمی افرادنا تناس و نا شناخته شرکت نداده
نداند، و تا بحال رقت کافی برای شناسایی اجساد
دراختیار ما مورین قرار داده است، روشن میشود
علت اعلام نکردن کلیه ی اسامی شرکت کننده گان
بیعت.

دستگیریهایی که محل شدت متشنج شد و خشم و نفرت مردم از پاسداران ظلم و ستم بالا گرفت، برآستی که تجلیات نفرت انگیز رادیو و تلویزیون رژیم ارتجاعی و روزنامه‌های رو به ورشکستگی آن فقط برای هوامل خود رژیم قابل قبول است. با اینهمه بوق و کرنا، تهدیدها، مختلف و بخش شایعه، رژیم حتی در مجتمع مسرجه‌شده که محلی نسبتاً کوچک و قابل کنترل است موفق به گشادن مردم بیای صندوق انتظاری فرمایشی نشده است.

تمام تیرهای رژیم بکنی پس از دستگیری بیسه سنگ میخورند. گنا رژیم بجای رسیده که بسیاری برقراری خفقان ناچار از فرستادن اوپاش مسلح به درهای خانه‌هاست. و تازه در این نیز موفق نیست. چرا که این مریضات تمام رژیمهای متفرد در جهان است که سعی دارند به وسیلهی مثنی شمول بنند جانی براگشیت مردم حکومت کنند. ولی تجربه نیز نشان داده است که همین یک مدت شمول بنند هم در مقابل جنبش مردم زخمیکش پا به فرار میگذارد. تدویر رژیمهای جنایتکار برادر مقابل تودهی مسرمد غمگین تنها میگذارند. کافیت ساواک و گارد جاویدان رژیم شاه و گارد ملی سوموزادیکتا تور نیکارا گوشه را بخاطر آوریم.

تقدیر

ایمان تعدادی از عناصر حزب الهی وفالانتر مشهد که در بسیج جاویدگان و برقراری خفقان فعال هستند به شرح زیر است:

- ۱- عبدالعب زاده، لیسانسیه شیمی از دانشگاه مشهد، دبیر دینی در دبیرستان دکتر علی شریعتی، وی در قلکهای ایام رضا، تکبیهی تهرانی، طایر زندگی میکند و از عناصر مسرمدور و از گردانندگان تظاهرات حزب الهی است.
- ۲- زراعتگر، لیسانسیه شیمی، دبیر دینی در دبیرستان شریعتی.
- ۳- فرحوش، لیسانسیه ریاضی، دبیر ریاضی در دبیرستان شریعتی.
- ۴- جواد دورانیش، فرزند یک ارتشی و ساواکی سابق، وی عضو مجمع احیاء و تفکرات شیعی از یاتد دیالمه ("نخا بنده"ی سابق مشهد در مجلس بود که در انفجار حزب جمهوری بیدرک و اجل شد) و کارمند دفتری دبیرستان شریعتی و دانشجوی شبانهی دانشکدهی علوم مشهد است.
- ۵- حسین سجادی، معلم آموزش و پرورش فریمان مشهد، وی قبلاً رئیس امور پیشاهنگسی در فریمان، عضو حزب رستاخیز آریا مسرمدور و اکنون عضو حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی در فریمان است. وی همچنین مسؤل محلی مسرمدور روستایی نهر است.

- ۶- محمد سجادی، کارمند ادارهی بهداشتی و بهداشتی مشهد.
- ۷- حسین قنبریز، شغل آزاده، وی در شرکت اتوبوسرانی اتوتاج در خیابان تجریش مشهد مسؤل پلیس است. وی نیز قبلاً عضو حزب

رستاخیز بوده و اکنون حزب الهی است. دختر وی نیز که حزب الهی است یکی از بستگانش را که از هواداران مجاهدین بود، بر خانه آیت. شاهین لطف آبادی، آدرس: خیابان خمینی (اوک سابق مشهد)، کوچهی خمینی ۲۲، پلاک ۴- تلفن: ۴۲۲۹۴

۸- محمدعلی ناجی، آدرس: خیابان ابوذر غفاری (سی متری دوم سابق)، ابوذر غفاری ۱۷، پلاک ۲۵

۹- جواد رحیمی روشنی، متولد اسفراین آدرس: خیابان شوحیدی، کوچهی زمردی، پلاک ۲۹ ۱۱- صاحب قالبسازی ممتاز (آئینه و شیشهی ساختمانی) واقع در خیابان سعدی، تلفن ۵۵۵۰۴ وی در عملی فالانترها به بساط نیروهای چپ در خیابان دانشگاه مشهد شرکت داشته است.

۱۲- صاحب مقازهی الکتریکی واقع در چهارراه لشکر مشهد. وی بارها هواداران نیروهای چپ را دستگیر و تحویل کمیته داده است. اخیراً نیز مقازهی وی توسط موتورسواری بسا مواد آشکزا به آتش کشیده شد.

۱۳- محمد هودت زاده ابهری، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی امیرشاهی، پلاک ۱۷، تلفن ۵۲۸۱۱

۱۴- رضا سهیلی، آدرس: خیابان مسعود، میدان بنفشه، پلاک ۷۵. گفته میشود خانوادهی سهیلی باعث لورفتن دو خانه از مجاهدین خلق در خیابان مسعود بوده اند.

۱۵- کمال الدین حق بین، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی امیرشاهی.

۱۶- صاحب کارخانهی سنگ و موزائیک سازی خارا اتومات در جادهی مشهد- شاندیز. وی صاحب مقازهی نیز در خیابان سناباد، پنجره سناباد نیز هست. تلفن ۲۲۹۷۹

۱۷- احمدرضا رضا زاده، عضو کمیته. آدرس: خیابان خمینی (ارک سابق)، کوچهی کنسول افغانستان، مقابل پلاک ۳۶

۱۸- حسین طالبخواه، عضو بسیج سپاه پاسداران مشهد. آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی روبروی حمام کلالی، پلاک ۲۵. تلفن ۵۱۶۱۲

۱۹- امیر خسرو خیابانی، آدرس: خیابان سناباد، ابوسفید ابوالخیر، بین مهناز و آبرج، پلاک ۵۱

۲۰- محمد حسین نیرومند، آدرس: خیابان ابوذر غفاری، ابوذر غفاری ۳۳، پلاک ۱ همچنین اتومبیلهای زیر نیز متعلق به ارتجاع در خدمت سرکوب مبارزات مردم هستند:

- ۱) استیشن یاری خاکستری تیره بیسه شمارهی ۱۴۶۲۲ تهران - ۵۱ متعلق به سپاه پاسداران مشهد.
- ۲) پیکان پسته‌ای رنگ به شمارهی ۱۳۶۲۱ گنبد. ۱۱ از گشتیهای شخصی سپاه پاسداران مشهد.
- ۳) پیکان شمارهی ۴۷۱۵۴ مشهد، وابسته به بسیج سپاه پاسداران، واحد مسجد شمس الشوس (خیابان دریا واقع در طلاب)

بتمام قوا مانع دستگیری مبارزین شویم



تهران

چندی قبل یکی از چهارناز جنگی ایران، بنام میلانیا، به یک سکوی حفاری در میان دریاچه اصابیت کرده و سپس به جزیره‌ی غارک منتقل شده. در آنجا با مگول کردن تصمیمات بعد، این ناز غرق شده است و ۳۰ تن از خدمه‌ی آن در تهران تحت نظر قرار گرفته‌اند. جالب اینست که سه روزنامه‌های قلم بمزد رژیم یک کلمه در اینباره سخن نگفته‌اند.

ساعت ۱۱/۱۵ صبح جمعه ۲ مرداد روز انتخابات فرمایشی، بدستمال انفجار بمب‌سازان سرمایه به تقاطع خیابان زرتشت با صدق هجوم برده و در آنجا مستقر شدند. در این هنگام جوان ۶۰ ساله‌ای که دچار اضطراب شده بود، شروع به دویدن کرد که بلافاصله توسط پاسداران ارتجاع به رگبار بسته شد و در کف خیابان جان داد. همچنین جسونان دیگری که از مقابل فروشگاه کورش فریاد اعتراض علیه این عمل فاشیستی را سر داد، با رگبار مسلسل مواجه شد که فقط توسط یک درخت تنومند از مرگ نجات یافت.

چنانچه جمهوری اسلامی در تملای حفظ حاکمیت ارتجاعی قرون وسطایی خود به اوج جنون رسیده‌اند و به هر عمل چنانچه ارتجاعی دست میزنند تا بلکه چند صیاحی بیشتر به بقای نتگین خود ادامه دهند.

شهرگرد

ژاندارمهایی که برای بردن جوانان به جنگ به دهات اطراف شهر کرد مراجعه کرده بودند، با مقاومت آنها مواجه گشتند. در زدوخوردهای بین مردم و ژاندارمها، تعدادی از ژاندارمها کشته شدند. پس از آن پاسداران سرمایه وارد عمل شدند. دولتی آنها نیز با مقاومت روبه‌رو گشته و تعدادی تلفات بجای میگذازند. بدستمال این وقایع، تعدادی از جوانان به کوهها پناه برده‌اند، جنگ ارتجاعی ایران و عراق از ابتدا برای مردم زحمتکش ما نتیجه‌ای جز بدبختی، آوارگی،

گوانی، بی خانمانی و سرگ بهمراه نداشتن است. آتش این جنگ هنوز شعله میکشد. ورژیمهای ارتجاع ایران و عراق هر روز تعداد بیشتری از مردم دو کشور را قربانی تملیات و اختلافات خود میکنند. لیکن، اکنون و خامت اوقاع به حدی رسیده است که نطفه‌های مقاومت علیه احضار جوانان به جنگ در حال شکل گیری است و نموده‌ی فوق مثال بسیار خوبی در این زمینه است. مشولین سراسر کشور نیز می باید از این نمو- نه پیروی کرده و حتی العقذور از رفتن بسه جنگ و کشته شدن بخاطر رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق خودداری کنند. این امری است که بسادگی قابل اجراست. بخاطر داشته باشیم که رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی بسیار بدتر و آشفتخته‌تر از آنست که بتواند مشولین فراری را تعقیب کند. علت اصلی اینهم کسه رژیم مرتبا مجبور است مشولین سالهای بالاتر را احضار کند دقیقا بخاطر خودداری تسلساد زیادی از احضارشدگان از رفتن به جنگ است. بکوشیم تا خودداری از شرکت در جنگ رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق را به یکا مسر همگانی مبدل سازیم.

مجلس سرچشمه

قبل از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری یعنی روز ۲۹ تیر پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع نس سرچشمه، اسامی کلیدی افرادی را که در مجتمع کار میکنند و اسامی اعضای خانواده‌های آنها را جمع آوری کردند. کسانی که از دادن اسامی خانواده‌ی خود خودداری میکردند شدت مورد تهدید واقع میشدند.

بدستمال این امر شایع شد که ابتکار برای کنترول آراء در روز ۲ مرداد، انجام شده است. در نتیجه بسیاری از کارکنان، چه کارمند و چه کارگر، به بهانه‌ی تعطیلی دوروزه (پنج شنبه و جمعه) مجتمع را ترک کردند.

علاوه بر این تیز پاسداران آزادی سرمایه همواره سعی در برقراری اختناق در مجتمع را داشته‌اند. بعنوان مثال اگر چراغ خانسهای تا دیروقت روشن باشد، سپاه ظلم جاسوس به‌جای لی آن میفرستد. حتی یکی از پاسداران اخیرا تخین جاسوسی در بیرون یک خانه بدست مسردم گرفتار آمد و این امر باعث رسوایی فراوان سپاه ارتجاع شد.

بعد از انفجار در مقر حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی نیز بعضی خانه‌ها مورد حملسه واقع و حداقل دو نفر دستگیر شدند. پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع کسه ما مور برقراری امنیت برای سرمایه‌داران در منطقه نیز هستند، روز ۲۸ تیر پس از دریافت گزارشل از جهاد سازندگی پاریزه که دهسی در ۱۵ کیلومتری مجتمع مس است، به آنجا رفته و ۶۹ نفر را دستگیر کردند. بدستمال این مس

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر نباید